سال اول

شماره اول

محل توزیع کتابخانه تربیت

عنوان مراسلات

کتابخانه تربیت

تبریز (ایران)

۱۵ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۴

آزاد

جریده ایست مصور و هفته یکبار طبع و توزیع میشود

۱۳۲۴

صفحه اول

قیمت اشتراک

هر نمره در تبریز ۳ شاهی

سالیانه در تبریز ۷ قران

در سایر ولایات ایران ۱۰ قران

در ممالک خارجه ۱۵ قران

در این جریده از هر گونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی و تاریخی و ادبی بحث میشود و هر قسم مقالات سودمند و عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاد است . اجرت اعلانات سطری یکقران در صورت تکرار ده شاهی گرفته میشود .



تمثال نیکفال شاهنشاه آزادی بخش مظفرالدین شاه کبیر مبرور قدس سره تولد ۱۲۷۰ جلوس ۱۳۱۳ وفات ۱۳۲۴

مظفر الدین والدنیا الذی اشتهرت فی الکون آثاره ما ان له ثانی

از بدو تشکیل سلطنت ایران هیچوقت همچون پادشاه دل آگاه در صحنهٔ تاریخ این مملکت دیده نشده بود و وفات حسرت آیات این خسرو علیین آرامگاه همهٔ هیئت اجتماعیهٔ بشریه را دچار یأس و ماتم نموده .

وفات صاحب این شمایل خورشید مآثل که با دست عادلانهٔ خود بیرق مشروطیت را که اس اساس هرگونه ترقی است در پشت بام آسیا که ایران باشد افراخته و خود در زیر آن لوای عدالت که ضامن نگاهداری شریعت حضرت ختمی مرتبت است جان سپارانه بدرود جهان فانی گفت کلیهٔ عالم انسانیت را از این مصیبت غم انگیز به شیون و ناله بیانداخت .

امیدواریم که پسر جوان بخت محبوبش که یادگار آن پادشاه رضوان جایگاه است از اثر اقدامات ملوکانهٔ خود دوّمین چراغ ترقی آسیا را از خاک تابناک ایران بیفروزد و جلوس عدالت مأنوس خود را با رسعادت ایرانی تقدیس نمایند

در این جنبش غیورانهٔ ملی که فرد فرد ملت یکدفعه از خواب بیدار شده و خود را در لیلهٔ مظلمهٔ جهالت و میان صحرای بطالت یکه و تنها دیده و بی محابا به میدان ترقی می شتابند هر کسی را فرض ذمهٔ ملیت میباشد که حتی المقدور در این حرکت اشتراک نموده و جاناً و مالاً و لساناً و قلماً در پیشرفت این مشروع مقدس همراهی نماید و در زیر سایهٔ این آزادی که خدایش پایدار فرماید آنچه را که در خیر ملت بداند بی پروا از قوه بفعل آورده و از خلوتخانهٔ فکر به تماشاگاه ذکر گسیل دارد .

این است که ما نیز محض ادای این فریضهٔ مقدسهٔ ملیه به نشر این ورقهٔ نالایق اقدام نمودیم و معلوم است که غرض از روزنامه نوشتن و تومار زندگی را سیاه کردن و اوقات جوانی را در تفکرات پیرانه بسر بردن و تمتع از حیات برنداشتن که ما خودمان را هموار کرده ایم خدمت بحوزهٔ پاک وطن مقدس است و در مقابل این اگر احیاناً نام کسی از هموطنان باشکار برده شود و سهو و خطایش نوشته آید باید با چشم بی غرضی دیده و رنجیده خاطر نشود .

حقوق قانونی

چون ملتی زنجیر اسارت استبداد را گسیخته و در جرگهٔ حکومات مشروطه داخل گردید باید دائرهٔ معلومات خود را هرچه ممکن است بیشتر توسعه بدهد تا حیات سیاسی را مستحق شده و منقرض نشود چه از روزیکه رشتهٔ حکومت بدست عموم افتاد مسئولیت آن نیز بگردن عموم است فرضاً اگر در سلطنت مستبده ایالتی از ایالات وطن بدست غیر بیفتد و یا عهدنامهٔ ناموس شکنانه منعقد گردد مسئولیت آن به ذمهٔ چند نفری که ادارهٔ امور را در دست گرفته اند علاقه میگیرد ولی اگر چنین اتفاقی در تحت حکومت مشروطه واقع شود موجب روسیاهی ابدی تمام ملت میشود پس ما را لازمست که در این موقع مهم و پر قیمت وضعیت خود را شناخته و از روی آشنائی باصلاح نواقص دیرینه پردازیم که خدا نکرده برای خود ننگ تاریخی بار نیاوریم و برای حصول این مقصود بهترین وسائل این است که بتوسط اوراق ملیه افکار ملت را جلا داده از حقوق خود بیاگاهانیم

تااینکه با غوای مغرضین از اقدامات آزادی طلبانه باز ایستند و در راه آن تا دم مرگ ایستادگی نماید چنانکه بعضیها درمیان عوام انتشار میدهند که آزادی خلاف شرع انور و مورث تولید هرج و مرج میباشد و در اثبات مدعای خود تاویلات گوناگون بی اصل برای این کلمه مقدسه بسته و میگویند که اگر آزادی باشد مردم آزادانه و بی پروا بهمدیگر شوریده و حقوق را پایمال مینمایند برای رفع این شبهات مغرضانه همین مقاله را نوشته و جسورانه صلای آزادی میزنیم تا عموم را معنای پاک این کلمهٔ مقدسه واضح شده و از جان و دل طالب و هوادار آن باشند .

حقوق قاعده و اندازهٔ آزادی است چگونه که حقوق بیحریت بیرون از حیز امکان میباشد آزادی بیحقوق نیز ممکن نیست و این هر دو فرداً فرداً نمیتوانند تصور بشوند کسانیکه از روی حمایت نوع طالب آزادی بیحد و حریت غیر محدوده میباشند سخت بخطا رفته اند چه حریت تامه ضد آزادی و اجتماع و انسانیت است برای رفع همه این محذورات آزادی را دایرهٔ ترسیم نموده اند که اگر از آن خارج بشود اوضاع غلبهٔ قوی بر ضعیف پیش میآید و اطلاق لغت آزادی بر این اصول غلط است اکنون که با مختصر تعمقی ساحت مقدسه آزادی را از لوث هر قسم افترا پاک نمودیم بهتر اینست که شرحی نیز از حقوق قانونی که حیات ملیه را ضامن است سخن گوئیم .

حقوق همه قواعدیست که اهل مملکت برای بقای نظم و امنیت مملکتی اطاعت آن را بر خود متحتم و اجرای احکام آن را بتوسط سلطنت عمومیهٔ ملیه تامین نموده اند و باید دانست که حقوق بدون قوت خارجی که قابل رفع موانع و غلبه بر مقاومات شخصیه و برقرار نمودن نظم باشد مطلقاً بی اثر است و این مسئله بثبوت رسیده که اولین احتیاج یک اجتماع تشکیل قدرت عمومی میباشد که بدون آن حیات مدنی دائماً در تهلکه و بی نظمی خواهد بود و تشکیل این قدرت بسته بشرایطی میباشد که همواره در یکقرار نبوده و همیشه در تغییر هستند و از اینجا معلوم میشود که وضع اصول سلطنت همواره باید اصلاح شده و ترقی بکند و باید در تاسیس آن مقتضیات زمان و مکان و درجهٔ تمدن و عادات و عوائد ملی را در نظر گرفت بدین جهة سلطنت و قانون اقوام مختلفه با همدیگر تباین کلی دارند و تطبیق بلاتحریف قانون مملکتی برای دیگری بیرون از دایرهٔ امکان است و ما در اینجا با نهایت شرمساری نظر دقت انجمن مقدس طهران را بدین مسئلهٔ مهمه جلب کرده و یادآوری مینمائیم که در ترتیب قانون اساسی باید ملاحظهٔ حالت کنونی ملت را نمود خلاصه این هیئت حکومت که گفتیم باید حفظ حدود مملکت و اجرای قوانین و تامین نظم و امنیت و حل امور و دعاوی مردم و اقدام باموریکه همت فرد واحد از انجام آن عاجز است در عهده بگیرد .

کلمهٔ حقوق فروعات بسیار دارد مانند حقوق مدنی و تجارتی و پدری و غیره که هریکی را باید علیحده شرح نمود ولی مقصود ما در این مقاله فقط توضیح حقوق نوعی میباشد که بواسطهٔ قانون تامین میشود و قانون قراردادیرا گوئیم که با اصول سلطنت مشروطه باید بصوابدید وکلای ملی حکم هر دعوی و جزای هر جنایتی را قبل از وقت معین داشته و در حل امور مردم بموقع اجرا گذاشته شود و چون احکام آن جاری گردید

حکم بگیرد و بند و حبس و قتل همه از اختیارات شخصی خارج و بحوزهٔ فرمان قانونی داخل میگردد و هر حکمی که از مصدر سلطنت صادر میشود باید از روی قانون و موافق آن باشد و تمامهٔ قواعد را که پایه و بنای آنها در حکومت مشروطه فرض و بمنزلهٔ اساس است حقوق تشریعیهٔ مملکت نامند و نسبت بمواقع تغییر یافته و بچند شعبه منشعب میگردد قانونی را که دائر به تقسیم ادارات عمومی و تشکیل اداره و نظمیه و امنیت مردم و روابط بین الملل باشد حقوق نوعی گفته میشود و قانونی را که روابط مردم را مابین ایشان نسبت بافعال تنظیم بدهد حقوق شخصی گویند حقوق نوعی نیز بچند قسم منقسم است اوّل حقوق مشروطیت که تشکل حکومت و تشکیل ادارات عالیهٔ آن و روابطی را که بواسطهٔ قانون در میان آنها موجود است معین مینماید دوّم حقوق اداره که ترتیب خدمات اداره و روابط مستخدمین و اداره را دائر است و باید این یکی از قسم اوّلی مجزّی باشد چه تکلیف این اجرای احکام آنستکه عبارت از قوهٔ اجریه میباشد و سرپرستی مؤسسات خیریه که رسماً داخل حوزهٔ امور دولتی نیستند بعهدهٔ همین حقوق محوّل است سیم حقوق جنایتی که جزاو تنبیه مجرمین و طریقه و حدود آن را برقرار مینماید که بدو شعبه منقسم است یکی قانون جزائیه که افعال جنایتی و درجهٔ تنبیه مقصر را معین میکند و دیگری قانون اطلاعات جنایتی که در حل امور مقصرین و اجرای تنبیه آنها جاری است چهارم حقوق بین الملل عمومی که روابط ملل مختلفه را شامل بوده و منازعه ها جزئی را که میان آنها روی میدهد در صورت عادلانه مرتفع مینماید عهد نامه جات بین الملل و مسائل صلح و جنگ و امتیازات سفرای مختار و قناسل خارجه داخل همین شعبه میباشند در اینجا از بیان یک نکته ناچاریم که چنانکه در اوّل مقاله نوشتیم برای تأمین اجرای این حقوق داخلاً و خارجاً محتاج ترتیب قوهٔ جبریه میباشیم و اگر ما ادارهٔ جهادیه خود را اصلاح نکرده خواستار این حقوق باشیم و هزار سفیر به مجلس (لاهی) برای احقاق خود گسیل داریم مثمر ثمری نخواهد بود و اگر تیغ تیز و توپ کروپ را در اثبات مدعای خویش برهان قاطع و قاضی حقیقی قرار ندهیم محال است که این لاف زنان عالم مدنیت بخوشی حق ما را بخود ما عاید دارند و اگر بیشتر از این در تعمیل خواهشات بیجا بانه خوشروی بنمائیم حکم این را دارد که آخرین دینار ثروت و وجب خاک خود را دو دستی تقدیم اجانب نموده ایم امیدواریم که با وجود عدم لیاقت مجلس شورای کبری اعتنائی بدین مقال وطن پرستانه خیر خواهانه نموده و هر چه ممکن است زودتر ادارهٔ عسکریه مملکت را نظم نماید که بقای همه قسم حقوق و شرف ما بسته بآن است .

اسلامبیا از بشارت

حرکت حریت پرستانهٔ عالم اسلامیت در سلطنت مستبدهٔ عثمانی نیز تأثیر کرده چنانکه بموجب اخبار موثقی که داریم اهالی اسلامبول نیز در صدد حکومت حالیه که مجتمع استبداد است اعلان مشروطیت کرده اند

اعلان

نظامنامهٔ قانون اساسی در کتابخانهٔ تربیت موجود است .